

سوره ص (۳۸)

مکی و شامل هشتاد و هشت آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

- ص. قسم به قرآن که پر از پند و اندرز است. (۱)
- کافران دچار سرکشی و مخالفت هستند. (۲)
- چقدر نسل‌ها را قبل از آن‌ها هلاک کردیم. آن‌ها فریاد می‌زدند ولی فرصت فرار نبود. (۳)
- در تعجبند که هشداردهنده‌ای از خودشان برایشان آمده. افراد بی‌ایمان گفتند: این جادوگر دروغگویی است. (۴)
- آیا تمام خدایان را به يك خدا تبدیل کرده؟ این چیز عجیبی است. (۵)
- بزرگان آن‌ها راه افتادند و گفتند: بروید و بر پرستش معبودان خود ایستادگی کنید، این چیزی است که از شما خواسته شده. (۶)
- ما چنین حرفی در آیین قبل هم نشنیده‌ایم، این فقط حرف دروغی است. (۷)
- آیا قرآن از بین ما به او نازل شده؟ بلکه آن‌ها از قرآن من در شك هستند و به‌خاطر این است که هنوز عذاب را نچشیده‌اند. (۸)
- یا خزینه‌های رحمت خداوند توانای بخشنده تو در اختیار آن‌ها است؟ (۹)
- یا مگر فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌ها است مال ایشان است؟ پس باید با وسایلی که در اختیار دارند بالا بروند. (۱۰)
- آن‌ها لشکری از دستجات هستند که در آنجا شکست می‌خورند. (۱۱)
- قوم نوح و عاد و فرعون صاحب اهرام هم قبل از آن‌ها منکر شدند. (۱۲)
- و قوم ثمود و قوم لوط و اصحاب «ایکه»، همه آن دسته‌ها هم منکر شدند. (۱۳)
- همه آن‌ها منکر پیغمبران شدند، در نتیجه مستحق عذاب شدند. (۱۴)
- آن‌ها جز صدایی مرگبار و بی‌بازگشت را انتظار ندارند. (۱۵)
- گفتند: خداوند، سهم ما را قبل از روز حساب به ما بده. (۱۶)
- درباره حرف‌هایی که می‌زنند صبر داشته باش، و بنده ما داود قدرتمند را به‌خاطر داشته باش، او توبه‌کننده بود. (۱۷)
- ما کوه‌ها را در اختیار او گذاشتیم که شب و صبح با او خدا را تسبیح می‌گفتند. (۱۸)
- و پرندگان جمع می‌شدند. همه پیش او برمی‌گشتند. (۱۹)
- و حکومتش را محکم ساختیم و به او حکمت و سخن قاطع دادیم. (۲۰)
- آیا خبر کسانی که با هم اختلاف داشتند، آن موقعی که از دیوار محراب بالا رفتند، به تو رسید؟ (۲۱)
- وقتی بر داود وارد شدند و داود از آن‌ها ترسید گفتند: نترس، ما دو نفر هستیم که با هم اختلاف داریم. یکی از ما به دیگری ظلم کرده، بین ما به حق حکم کن، و حق را در نظر داشته باش، و ما را به راه راست هدایت کن. (۲۲)
- این برادر من است و نود و نه میش دارد و من فقط يك میش دارم. به من می‌گوید که سرپرستی

آن یکی را هم به من بده، و در گفتگو به من زور گفته. (۲۳)
داود گفت: او به خاطر این که خواسته میش تو را به میش هایش اضافه کند، به تو ظلم کرده. عده زیادی از شریکان به شریک خود ظلم می کنند، غیر از مؤمنانی که درستکار هستند و عده این افراد هم کم است. داود فکر کرد که امتحانش کرده ایم، لذا از خداوندش طلب آمرزش کرد و به خاک افتاد و توبه کرد. (۲۴)

پس گنااهش را بخشیدیم و به خود نزدیکش ساختیم و عاقبت به خیر شد. (۲۵)
گفتیم: ای داود، ما تو را در زمین نماینده ساختیم، پس بین مردم به حق حکم کن و از دلخواه خود پیروی نکن، چون این کار تو را از راه خدا منحرف می کند. کسانی که از راه خدا منحرف شوند، چون روز حساب را فراموش کردند، عذاب سختی دارند. (۲۶)
ما آسمان و زمین و چیزهایی را که بین آنها است، بیهوده نیافریده ایم. این گمان افراد بی ایمان است. وای بر افراد بی ایمان از آتش جهنم. (۲۷)
آیا ما افرادی را که ایمان آورده و کار درست کرده اند مثل کسانی که در زمین خرابکاری می کنند قرار می دهیم؟! یا پرهیزکاران را مثل بدکاران؟! (۲۸)
قرآن کتاب مبارکی است که ما آن را به تو نازل کرده ایم تا در آیاتش بیاندیشند و خردمندان توجه پیدا کنند. (۲۹)

ما سلیمان را به داود دادیم. چه بنده خوبی بود. او توبه کننده بود. (۳۰)
وقتی طرف غروب اسب های اصیل به او عرضه شد. (۳۱)
گفت: من اسبها را بر ذکر خداوندم ترجیح دادم تا این که آنها پشت مانعی از دیده پنهان شدند. (۳۲)

گفت: آنها را پیش من برگردانید و شروع کرد به دست کشیدن به پاها و گردن آنها. (۳۳)
ما سلیمان را امتحان کردیم، و جسدی را روی تخت او انداختیم و او توبه کرد. (۳۴)
گفت: خداوندا، مرا بیامرزش و حکومتی به من بده که بعد از من هیچ کس سزاوار آن نباشد، چون تو عطاکننده ای. (۳۵)

باد را در اختیار او قرار دادیم که به فرمان او به هر جا که می خواست به نرمی روان می شد. (۳۶)

و هر بنا و غواصی از شیطانها و دیگران را در غل و زنجیز تحت فرمانش درآوردیم. (۳۷) و (۳۸)

گفتیم: این عطای ماست، بی حساب ببخش یا نگهدار. (۳۹)
او پیش ما تقرب و عاقبت خوبی داشت. (۴۰)
و بنده ما ایوب را به یاد آور، موقعی که خداوندش را صدا زد که شیطان مرا به رنج و عذاب دچار کرده. (۴۱)

به او گفتیم: با پایت به زمین بزن، این آبی سرد برای شستشو و نوشیدن است. (۴۲)
ما خانواده اش و مثل آنها را با آنها به او بخشیدیم، برای این که رحمتی از ما و پندی برای افراد خردمند باشد. (۴۳)

و به او گفتیم: دسته ای ترکه (علف یا کاه) بگیر و با آن بزن و قسم خود را نشکن. ما او را صبور یافتیم، بنده خوب و توبه کننده بود. (۴۴)

ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که قدرتمند و با بصیرت بودند یاد کن. (۴۵)
ما آن‌ها را با صفت خاصی، که به یاد سرای آخرت بودن بود، خالص کردیم. (۴۶)
آن‌ها پیش ما از افراد برگزیده و نیکوکار بودند. (۴۷)
و اسماعیل و الیسع و ذوالکفل را یادآوری کن، همه از نیکان بودند. (۴۸)
این قرآن تذکری است و افراد پرهیزکار جای خوبی دارند. (۴۹)
بهشت‌های جاویدی که درهای آن برای آن‌ها باز است. (۵۰)
در آن بهشت‌ها تکیه می‌دهند و میوه‌های زیاد و نوشیدنی می‌طلبند. (۵۱)
و دختران باحیا و همسالی در کنار آن‌ها هستند. (۵۲)
این چیزهایی است که برای روز حساب به شما وعده داده شده. (۵۳)
این روزی‌دادن ما است و تمام‌شدنی نیست. (۵۴)
این وضع پرهیزکاران است، در صورتی که طغیانگران جای بدی دارند. (۵۵)
آن‌ها وارد جهنم می‌شوند و جهنم جای بدی است. (۵۶)
این آب جوش و چرک است که باید بخورند. (۵۷)
و عذاب‌های دیگر از همین شکل دارند. (۵۸)
این‌ها عده‌ای هستند که با شما با فشار وارد جهنم می‌شوند و خوش‌آمدی برای آن‌ها نیست، آن‌ها
وارد آتش جهنم می‌شوند. (۵۹)

گفتند: شما هم خوش‌آمدی ندارید، شما این عذاب را برای ما فراهم کردید، اینجا جای بدی است. (۶۰)

گفتند: خداوندا، عذاب کسی را که این عذاب را برای ما فراهم کرد، چند برابر کن. (۶۱)

گویند: چرا مردانی را که جزو اشرار حساب می‌کردیم نمی‌بینیم؟ (۶۲)

آیا آن‌ها را مسخره کرده‌ایم یا از نظر دور مانده‌اند؟ (۶۳)

این مجادله اهل آتش جهنم واقعاً راست است. (۶۴)

بگو: من فقط هشدار می‌دهم و معبودی (کسی که در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی کنید و از دستورها و نظرهای او بدون چون و چرا پیروی کنید) غیر از خدای یگانه قهار وجود ندارد. (۶۵)

خداوند آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌هاست، که توانا و آمرزنده است. (۶۶)

بگو: این خبر بزرگی است، (۶۷)

که شما از آن روگردان هستید. (۶۸)

من علمی به ساکنان عالم بالا، وقتی که با هم بگویم می‌کردند، نداشتم. (۶۹)

فقط به من وحی می‌شود که من هشداردهنده آشکاری هستم. (۷۰)

وقتی که خداوند تو به فرشتگان گفت: من بشری را از گل می‌آفرینم. (۷۱)

هنگامی که او را درست کردم و از روح خودم در او دمیدم، در مقابل او به سجده بیافتید. (۷۲)

همه فرشتگان سجده کردند، غیر از شیطان که تکبر ورزید و قدرشناس بود. (۷۳ و ۷۴)

خدا گفت: ای ابلیس، چه چیزی تو را از سجده‌کردن به بشری که با قدرت خودم آفریدم بازداشت؟

آیا تکبر ورزیدی یا دنبال برتری می‌گردی؟ (۷۵)

شیطان گفت من از او بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل. (۷۶)

خدا گفت برو بیرون، تو رانده شده‌ای، (۷۷)

و تا قیامت لعنت من بر تو است. (۷۸)

شیطان گفت: خدایا، به من تا روزی که برانگیخته می‌شوند مهلت بده. (۷۹)

خدا گفت: تا روز وقت معلوم به تو مهلت داده شد. (۸۰ و ۸۱)

شیطان گفت: قسم به عزت تو که همه آن‌ها را گمراه می‌کنم، به جز بندگان خالص تو. (۸۲ و

۸۳)

خداوند گفت: این درست است و من هم حق را می‌گویم. (۸۴)

من جهنم را از تو و همه پیروان تو پر می‌کنم. (۸۵)

(ای پیغمبر) به مردم بگو: من از شما مزدی برای رسالت خود نمی‌خواهم و به دروغ ادعای

پیغمبری نمی‌کنم. (۸۶)

قرآن فقط تذکری برای کلیه افراد بشر است. (۸۷)

و بعد از مدتی خبر آن را خواهید دانست. (۸۸)